

# رابطه سلامت روانشناختی نوجوانان ۱۵-۱۸ ساله با سبک‌های تربیتی و وضعیت اقتصادی اجتماعی والدین

## The relationship between Tehran adolescent's psychological well-being with parenting styles and their parents' socioeconomic status

محمد نقی فراهانی<sup>۱</sup>، Mohamad Naghi Farahani, (PhD)

تاریخ دریافت: ۸۵/۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۸۵/۱۲/۲۲

### Abstract

The purpose of present research was to explore the relationship among variables of adolescent's psychological well-being, their parents' parenting styles, as well as their socio-economic status. 1396 Tehran female and male students taken from different sectors of Tehran city completed Subjective Well-being Scales (Diener, 1992) and a researcher-made Socio-economic questionnaire. Also, the participants' mothers completed the Buri (1991) Parental Authority Questionnaire. The results showed that the lowest psychological well-being scores are related to south regions of Tehran, While the norths' have gained the best scores. Also, It was indicated that from all parenting styles, logical despotic and authoritarian styles could predict adolescents' psychological well-being significantly.

### Keywords:

Subjective well-being, parenting styles, socio-economic status, adolescents.

والدینی، درگیری<sup>۱۲</sup> والدینی و همچنین واژه‌هایی چون ساختار<sup>۱۳</sup> خانواده، کنش<sup>۱۴</sup> خانواده، تعاملات<sup>۱۵</sup> خانواده و محیط<sup>۱۶</sup> خانوادگی، ترتیبات<sup>۱۷</sup> خانوادگی، ارتباط والد - فرزند<sup>۱۸</sup>، و نزدیکی و صمیمیت والد - کودک<sup>۱۹</sup> جا به جا و یکسان و گاهی اوقات به عنوان مفاهیمی مجزا بکار رفته است. به منظور پایان دادن به آشفتگی موجود، بطور کلی می‌توان گفت دو رویکرد در زمینه اثر تعامل والد - فرزند و سازگاری فرزندان مطرح است. یک رویکرد تیپ نگر که سبک‌ها یا انواع

### چکیده

هدف از این مطالعه بررسی رابطه و عوامل پیش‌بینی‌کننده سلامت روانشناختی نوجوانان از طریق نوع سبک‌های تربیتی و همچنین وضعیت اقتصادی اجتماعی والدین آنان بوده است. ۱۳۹۶ دانش‌آموز دختر و پسر ۱۵-۱۸ ساله شهر تهران، از طریق تقسیم‌بندی مناطق مختلف تهران، مقیاس سلامت روانشناختی (دینر، ۱۹۹۲) و مقیاس وضعیت اقتصادی اجتماعی محقق ساخته را کامل کردند و پس از آن، مادران این دانش‌آموزان پرسشنامه سبک‌های تربیتی والدینی (بورای، ۱۹۹۱) را تکمیل کردند.

نتایج نشان داد که پایین‌ترین شاخص سلامت روانشناختی در مناطق جنوب شهر و بالاترین شاخص آن در مناطق شمال شهر است. از بین سبک‌های والدینی نیز، سبک اقتدار منطقی و سبک استبدادی از آن‌ها پیش‌بینی معنادار سلامت روانشناختی نوجوانان برخوردار بودند. در پایان، نتایج مورد بحث و نتیجه‌گیری قرار گرفتند.

### کلید واژه‌ها:

سلامت روان شناختی، سبک‌های تربیتی، وضعیت اقتصادی، نوجوان

### مقدمه

در بررسی اثرات تربیتی خانواده بر رفتار نوجوان، با آشفتگی مفهومی مواجه می‌شویم. واژه‌های مختلفی برای بررسی اثر تربیتی خانواده، بوسیله محققین بکار رفته است. واژه‌هایی چون سبک‌های والدینی<sup>۲</sup>، تربیت<sup>۳</sup> والدینی، ادراک<sup>۴</sup> والدینی، باورهای<sup>۵</sup> والدینی، نگرش<sup>۶</sup> والدینی، الگوهای<sup>۷</sup> والدینی، رفتار<sup>۸</sup> والدینی، علاقه<sup>۹</sup> والدینی، دلبستگی<sup>۱۰</sup> والدینی، کنترل<sup>۱۱</sup>

### فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناختی

دوره اول  
شماره اول  
بهار ۱۳۸۶



۱- دانشیار دانشگاه تربیت معلم تهران (faramn37@yahoo.com)

12. involvement
13. structure
14. functioning
15. interaction
16. environment
17. settings
18. parent-child relationship
19. parent-child closeness

- 2- parenting style
- 3- practices
- 4- perception
- 5- beliefs
- 6- attitudes
- 7- patterns
- 8- behaviors
- 9- bending
- 10- attachment
- 11- control



(بورای، ۱۹۹۱، برنت، ۱۹۹۷، گلاسکو<sup>۹</sup> و همکاران، ۱۹۹۷). اگر چه این کیفیت‌ها با رویکرد یک جهتی اجتماعی شدن مطابقت دارند؛ ولی در درون آنها یک تفاوت اساسی وجود دارد. در سبک‌های تربیتی استبدادی و آسان‌گیر، بعد کنترل‌کنندگی در ابتدای امر خصوصیتی یک طرفه است. در سبک تربیتی استبدادی، جهت از سمت والد به سوی فرزند است؛ در حالی که در سبک تربیتی آسان‌گیر از سمت فرزند به سوی والدین می‌باشد. این دو سبک تربیتی با سبک تربیتی اقتدار منطقی تفاوتی اساسی دارند. بدین معنا که در سبک اقتدار منطقی، تعاملی دوطرفه بین والدین و فرزندان وجود دارد. با گسترش تحقیقات بام‌ریند، طبقه بندی او از انواع سبک‌های تربیتی متنوع‌تر گردید و شامل سبک‌های تربیتی آسان‌گیر منطقی دموکراتیک (مردم‌سالار)، آمرانه<sup>۱۰</sup>، محبت و مهربانی کافی<sup>۱۱</sup>، غیرآمرانه<sup>۱۲</sup>، غیرمتعهد و غیردرگیر<sup>۱۳</sup> شد. الگوی کلی و عمومی یافته‌های بام‌ریند با کارهای اولیه او مطابقت دارد. نوجوانان در خانواده‌های اقتدار منطقی و مردم‌سالار متکی به خود، آرام و امیدوار بوده و هویت شخصی آنها آسیب نمی‌بیند؛ در نقطه مقابل، استفاده کنندگان از مواد مخدر از میان نوجوانانی بوده‌اند که خانواده‌های آنها غیرآمرانه و غیرمتعهد بوده‌اند (در مقایسه با سایر همسالان). نوجوانان خانواده‌های غیرمتعهد، بیشتر رفتار ضد اجتماعی بروز داده، کمتر رفتار خود را کنترل می‌کنند و کمتر مسئولیت اجتماعی خود را می‌پذیرند. تحقیقات مختلف نشان داده‌اند که این نوجوانان، رفتارها را درونی کرده و مسایل و مشکلات رفتاری متعددی را تجربه کرده و والدین خود را به عنوان یک مدل، پذیرا نیستند (بام‌ریند، ۱۹۹۱).

سلامت روانشناختی نوجوان حوزه گسترده‌ای است که دامنه آن می‌تواند از یک سو به سلامت روان شناختی و احساس خودارزشی و از سوی دیگر به اختلالاتی از قبیل افسردگی، افکار خودکشی و اختلالات خوردن و غیره ختم شود. ادبیات تحقیق در این زمینه به گونه‌ای سازمان یافته است که مشکل بتوان معنی سلامت روانشناختی را از خلال آن استخراج نمود. بیشتر مطالعات در این زمینه، مسئله محوری یا مشکل محوری<sup>۱۴</sup> را ترجیح داده‌اند که این تا حدودی به نیاز جامعه برای درمان و جلوگیری از بوجود آمدن این اختلالات بوده است. بنابراین برای این که بتوانیم یک جمع بندی از

روش‌های تربیتی فرزندان را مورد بررسی قرار می‌دهد (به طور نمونه بام‌ریند، ۱۹۷۳). رویکرد دیگر رویکرد تعامل اجتماعی است که تمرکز خود را روی ماهیت تبادلات والد - فرزند متمرکز ساخته است.

شاید بهترین مدل تأثیرگذار در رویکرد تیپ‌نگر، مدلی است که بام‌ریند (۱۹۷۳) پیشنهاد کرده است. بام‌ریند (۱۹۹۱) که بیشترین تمرکز خود را متوجه تحول دوره کودکی و نوجوانی کرده است؛ به بررسی تفاوت‌های فردی در سبک‌های والدینی و اثر این سبک‌های والدینی روی بازده‌های تحولی پرداخته است. بام‌ریند (۱۹۷۱) بوسیله مشاهده، پرسشنامه و مصاحبه و استفاده از روش‌های آماری دسته بندی کردن<sup>۲</sup> و تحلیل عامل<sup>۳</sup>، سه سبک تربیتی شناخته شده والدینی را معرفی کرد: استبدادی<sup>۴</sup>، اقتدار منطقی<sup>۵</sup>، و آسان‌گیر<sup>۶</sup>.

والدین دارای اقتدار منطقی، کنترل ثابتی را بر فرزندانشان اعمال کرده و استقلال فرزندان را تشویق می‌کنند. در تأکید بر قوانین و اهمیت فرمانبرداری و اطلاع فرزندان ثابت قدم هستند. رفتارهای رشد یافته از فرزندان انتظار دارند و در عین حال حقوق فرزندان را به رسمیت می‌شناسند. فرزندان خود را با صراحت و روشنی راهنمایی کرده و نظم و انضباط تربیتی آنها توأم با گرمی، منطقی و انعطاف پذیری و گفت و شنود کلامی است. بعلاوه، این والدین از میزان بالایی از گرم بودن و پاسخگو بودن برخوردار هستند (برنت<sup>۷</sup>، ۱۹۹۷، بورای، ۱۹۹۱).

والدین مستبد، در برخورد با فرزندان خود، بیشتر دستور دهنده بوده و عقیده دارند که فرزندان باید بدون چون و چرا از دستورات آنها پیروی نمایند. این گونه والدین، صمیمیت کمتری با فرزندان خود دارند و فرزندان را از گفت و شنود باز می‌دارند؛ و برای کنترل رفتار بیشتر از تنبیه استفاده می‌کنند (بورای، ۱۹۹۱).

والدین آسان‌گیر، محدودیت‌های خیلی کمی را برای فرزندانشان اعمال می‌کنند. در تأکید بر قوانین و معیارهای رفتاری، سست هستند؛ به ندرت از فرزندان انتظار دارند که در کارهای روزمره خانواده مشارکت نمایند. و به ندرت رفتار آنها را هدایت می‌کنند؛ با وجود این در ابعاد «گرم بودن و پاسخگو بودن» بالا هستند و اجازه می‌دهند فرزندانشان فعالیت‌های خود را تنظیم کنند و به ندرت آنها را تنبیه می‌کنند

9-Glasgow

10-directive

11-good-enough

12-undirective

13-unengaged

14-problem focused

1-Baumrid

2-clustering

3-factor analysis

4-authoritation

5-authoritative

6-permissive

7-Berndt

8-Buri



است.

از مسائل دیگری که سلامت نوجوانان را تحت الشعاع قرار می‌دهد، وضعیت اقتصادی - اجتماعی و میزان تحصیلات والدین و خانواده‌های آنان است. بر اساس فرضیه جانشینی منابع<sup>۶</sup>، تحصیلات بیشتر روی سلامت روانشناختی زنان موثر است. زیرا مشکلات اقتصادی - اجتماعی باعث می‌شود که زنان بیشتر به سمت تحصیلات روی آورند؛ و این امر به نوبه ی خود، روی سلامت روان شناختی آنان تاثیر می‌گذارد. داده‌های مطالعه ۱۹۹۵ در ایالات متحده که با پیگیری آن در سال‌های ۱۹۹۸ و ۲۰۰۱ انجام گردید؛ فرضیه جانشینی منابع را تأیید می‌کند. افسردگی زنان وقتی که تحصیلات آنها افزایش می‌یابد، در مقایسه با مردان، کاهش می‌یابد. اصولاً با افزایش تحصیلات تفاوت میزان افسردگی زنان با مردان کاهش می‌یابد. به طور کلی افزایش تحصیلات در هر دو جنس به کاهش میزان افسردگی می‌انجامد (راس و میروسکی<sup>۷</sup>، ۲۰۰۶).

همچنین نشان داده شده است که وضعیت اقتصادی - اجتماعی والدین به عنوان یک عامل واسطه‌ای در سلامت روان شناختی عمل می‌کند. در یک مطالعه گسترده در سال‌های ۱۹۷۹ - ۱۹۹۸ بر روی ۲۶۷۷ نفر از کودکان تا هنگام جوانی، نشان داد که بین وضعیت اقتصادی - اجتماعی، با شاخص رفتاری فرزندان همبستگی بالایی وجود دارد (کان و ویلسون<sup>۸</sup>، ۲۰۰۵). اگر چه مطالعه کولی<sup>۹</sup> و همکاران (۲۰۰۶) نشان داده است که رفاه اجتماعی خانواده و همچنین میزان سطوح بالای اقتصادی و تحصیلات والدین، بر سلامت روان شناختی نوجوانان موثر است؛ ولی بعضی از تحقیقات بین رفاه اجتماعی و سلامت روان شناختی نوجوانان رابطه مستقیمی گزارش نتموده‌اند (دانی فن<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۶).

با توجه به گستردگی مفاهیم و ابزارهای بکار رفته در تحقیقات مختلف، منظور از سبک‌های تربیتی والدینی در این تحقیق، چیزی است که پرسشنامه اقتدار والدین (بورای، ۱۹۹۱) آن را اندازه‌گیری می‌کند و سلامت روانشناختی به معنی احساس خوب بودن می‌باشد که بوسیله پرسشنامه سلامت روان شناختی ذهنی<sup>۱۱</sup> اندازه‌گیری می‌شود. بنابراین سئوالات زیر مورد بررسی قرار گرفته است.

۱- بین سبک‌های تربیتی والدین (استبدادی، اقتدار منطقی و آسان گیر) با شاخص کلی سلامت روانشناختی رابطه معنی

تحقیقات در این زمینه داشته باشیم بهتر است متغیر سبک‌های تربیتی والدین را به صورت عام آن، یعنی عوامل تربیتی خانواده و مفهوم سلامت روانشناختی را به عنوان نداشتن اختلال و یا داشتن سلامت روانشناختی و یا احساس خوب بودن محدود نکرده و تحقیقات انجام شده برای فهم بهتر متغیرهای مورد نظر را مورد توجه و دقت قرار دهیم.

**الف) تحقیقاتی که سلامت روانشناختی را به عنوان نداشتن اختلال مورد توجه قرار داده‌اند.**

عمده تحقیقات در این زمینه، روی اختلالاتی همچون افسردگی، اضطراب و پرخاشگری بوده است. در یک مطالعه طولی ۲ ساله جان و کاترین<sup>۱</sup> (۱۹۹۳) نشان دادند که نوع رفتار والدین با کودکان، پیش بینی کننده رفتار نوجوانی است؛ و بهترین ارتباط بین رفتارهای پرخاشگری، رفتار ضد اجتماعی و سلوکی مشاهده شد. در مطالعه طولی پترسن<sup>۲</sup> و همکاران (۱۹۹۳)، افسردگی نوجوانی تا حد زیادی به نوع ارتباط بین اعضای خانواده و نوع نزدیکی عاطفی مربوط بود و رابطه دختر و مادر از عوامل پیش بینی کننده وجود یا عدم وجود افسردگی در نوجوانان دختر بود.

مطالعه طولی فرگوسون و لنینزکی<sup>۳</sup> (۱۹۹۸)، به نقل از ودزبی، اسودین و سیدجو<sup>۴</sup> (۲۰۰۷) نشان داد که عوامل خانوادگی از قبیل نبود علقه و عاطفه والدین (دلبستگی) و نوع سبک‌های تربیتی نامناسب ایشان و همچنین رفتارهای همسالان آنها، در تداوم رفتارهای ناسازگار بیشترین نقش را داشته است. در یک مطالعه ۱۶ ساله بر روی نوجوانان دارای مشکلات هیجانی که عضو خانواده‌های در معرض خطر بودند، مشخص گردید که این نوجوانان در مقایسه با گروه نوجوانان همسال خود، مشکلات روان شناختی بیشتری دارند.

**ب- تحقیقاتی که سلامت روانشناختی را به معنی احساس خوب بودن در نظر گرفته‌اند.**

شک<sup>۵</sup> (۱۹۹۷) که مطالعه خود را در خصوص محیط خانوادگی، احساس خوب بودن، سازگاری در مدرسه و مشکلات رفتاری، روان شناختی انجام داد؛ نشان داد که سبک‌های تربیتی والدین، به طور معنی داری با کنش‌های خانوادگی و نمره‌های سلامت روان شناختی (میزان اختلالات، رضایت از زندگی، هدف زندگی، امیدواری و عزت نفس) و همچنین سازگاری در مدرسه و نداشتن مشکلات رفتاری (سیگار و استفاده از مواد مخدر) مرتبط

6- resource substitution theory hypothesis

7- Ross & Mirosky

8- Kahn & Wilson

9- Coley

10- Dunifon

11- Subjective Well-being

1- John & Catherine

2- Peterson

3- Ferguson & Lynskey

4- Wadsby, Svedin & Sydsjo

5- Shek



دوم، طیف هفت درجه ای از کاملاً مخالف (نمره ۱) تا کاملاً موافق (نمره ۷) در نظر گرفته شده و از آزمودنی ها خواسته می شود که میزان موافقت یا مخالفت خود را با هر یک از سؤالات مورد ارزیابی قرار دهند. اعتبار و روایی این آزمون را کرمی نوری و همکاران (۱۳۸۱) گزارش کرده اند.

**شیوه اجرا**

پس از انتخاب نمونه تحقیق، ابتدا دانش آموزان با هماهنگی واحدهای آموزشی به مقیاس سلامت روان شناختی و پرسشنامه وضعیت اقتصادی - اجتماعی پاسخ دادند؛ در مرحله بعد پرسشنامه سبک های تربیتی والدین که در پاکتی در بسته گذاشته شده بود به آدرس منزل دانش آموزان که بر روی مقیاس سلامت روان شناختی نوشته شده بود، ارسال گردید؛ که در آن خواسته شده بود که مادران این دانش آموزان به سؤالات پاسخ دهند. البته دانش آموزانی به مقیاس سلامت روان شناختی پاسخ دادند که دارای مادرانی با حداقل ۸ کلاس سواد بودند. در نهایت از میان پرسشنامه های ارسال شده، ۱۳۹۶ پرسشنامه کامل، جهت استخراج داده ها مورد استفاده قرار گرفت.

**نتایج**

جدول ۱ یافته های توصیفی متغیرهای تحقیق شامل شاخص T1 و T2 و شاخص کلی سلامت روان شناختی و سه سبک تربیتی والدینی را نشان می دهد.

متغیرهای تحقیق	میانگین	انحراف استاندارد
شاخص T1	۲۳/۰۵	۵/۸۹
شاخص T2	۶۵/۷۸	۹/۷۵
شاخص کلی سلامت روانشناختی	۸۸/۷۹	۱۳/۵۰
سبک تربیتی آسان گیر	۲۷/۳۸	۵/۲۶
سبک تربیتی استبدادی	۲۶/۵۴	۵/۸۹
سبک تربیتی منطقی	۴۲/۵۳	۵/۰۹

جدول ۱: خلاصه نتایج توصیفی گروه نمونه (n=۱۳۹۶)

جهت بررسی میزان رابطه بین انواع سبک های تربیتی و سلامت روانشناختی جدول ماتریس همبستگی بین مؤلفه ها محاسبه گردید. جدول ۲ نشان می دهد که بین سلامت روان شناختی با دو سبک تربیتی استبدادی ( $r=۰/۱۲$ ,  $p<۰/۰۰۱$ ) و منطقی ( $r=۰/۲۰$ ,  $p<۰/۰۰۱$ ) ضریب همبستگی معنی دار بوده، ولی با سبک آسان گیر این ضریب معنی دار نیست. علاوه بر این بین زیر مجموعه های سلامت روان شناختی

دار وجود دارد.

۲- سهم هر یک از سبک های تربیتی (استبدادی، آسان گیر، اقتدار منطقی) در تبیین شاخص سلامت روانی به چه میزان است؟

۳- آیا در شاخص سلامت روانی دختران و پسران مناطق مختلف تهران تفاوت معنی داری وجود دارد؟

۴- آیا در هر یک از سبک های تربیتی در خصوص دختران و پسران و همچنین مناطق مختلف تهران تفاوت معنی دار وجود دارد؟

**روش****جامعه و نمونه**

آزمودنی های این پژوهش عبارت از ۱۳۹۶ نفر از دانش آموزان پسر و دختر (۶۱۲ پسر و ۷۸۴ دختر) در مقاطع اول و دوم و سوم دبیرستان (۱۵-۱۸ سالگی) شهر تهران است که به صورت نمونه برداری تصادفی منظم از مناطق (شمال، جنوب، غرب، شرق و مرکز) که شامل مناطق آموزشی ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۱، ۱۶ و ۱۷ می گردید به همراه مادران آنها انتخاب شده بودند.

**ابزار**

**پرسشنامه اقتدار والدین:** این پرسشنامه توسط بورای (۱۹۹۱) به منظور اندازه گیری دیدگاه اولیه اقتدار والدین بام ریند (۱۹۷۱) در سه نوع آسان گیری، استبدادی و اقتدار منطقی تهیه شده است. نتایج تحقیقات بورای و همکاران (۱۹۸۸) نقل از بورای، (۱۹۹۱)، اسفندیاری (۱۳۷۴)، رضایی (۱۳۷۵) و مهرافروز (۱۳۷۸) نشان داد که این پرسشنامه از مشخصات روان سنجی مناسب برای اندازه گیری دیدگاه اولیه بام ریند (۱۹۷۱) در زمینه شیوه های فرزندپروری می باشد.

**مقیاس سلامت روان شناختی:** مقیاس سلامت روان شناختی دارای ۱۷ سؤال است که خود به دو قسمت تقسیم می شود: T1، T2 و T1 شامل پنج سؤال اول و ترجمه دقیق پرسشنامه SWLS است (دینر و همکاران، ۱۹۸۵). این آزمون در مطالعات بین فرهنگی زیادی مورد استفاده قرار گرفته و از قابلیت اعتماد و اعتبار بالایی برخوردار است (مایرز و دینر، ۱۹۹۵). T2 شامل دوازده سؤال بعدی است که اقتباسی از مقیاس SWB است. در این مقیاس ۶ مقوله پذیرش خود، روابط مثبت با دیگران، استقلال، کنترل و مدیریت محیط، هدف زندگی و رشد شخصی وجود دارد که برای هر مقوله ۲ سؤال در نظر گرفته شده است. برای مجموع ۱۷ سؤال بخش

انجام تحلیل  $t$  مستقل بین دو گروه دختران و پسران نشان داد که بین آنها از لحاظ شاخص سلامت روانی تفاوت معنی دار وجود ندارد ( $t=0/65, p>0/05, df=1394$ ). در خصوص تفاوت بین مناطق مختلف آموزش و پرورش در شاخص سلامت روان شناختی از طریق طرح تحلیل واریانس نشان داد که بین مناطق تفاوت آماری معنی دار وجود دارد ( $F=2/96, p<0/002, df=(9, 1386)$ ) و کمترین شاخص سلامت روان شناختی از منطقه ۱۱ ( $84/89$ ) و بیشترین آن از منطقه ۳ ( $91/54$ ) بدست آمد. این یافته‌ها در نمودار ۱ نشان داده شده است. همان طور که نمودار ۱ نشان می‌دهد مناطق ۱، ۳، ۴ و ۵ دارای بالاترین میانگین سلامت روان شناختی و مناطق ۶، ۸، ۹، ۱۱، ۱۶ و ۱۷ دارای پایینترین

(شاخص های  $T_1$  و  $T_2$  با دو سبک استبدادی و منطقی رابطه معنی دار بوده ولی با سبک آسان گیر رابطه معنی دار نیست. به منظور تعیین سهم هر یک از متغیرهای پیش بین (شیوه‌های تربیتی والدین) در تبیین متغیر ملاک (سلامت روان شناختی)، تحلیل رگرسیون گام به گام صورت گرفت که اولین متغیر وارد شده به معادله، شیوه تربیتی منطقی و سپس شیوه تربیتی استبدادی بود. نسبت  $F$  مشاهده شده برای تحلیل رگرسیون چندمتغیری درگام اول معنی دار است ( $F=58/847$  و  $p<0/01$ ). نسبت  $F$  مشاهده شده در گام دوم معنی دار است ( $F=33/996$  و  $p<0/01$ ). این دو متغیر در مجموع حدود ۲۰٪ واریانس تغییرات سلامت روانشناختی را تبیین می‌نمایند.

متغیرهای تحقیق	سبک آزاد	سبک استبدادی	سبک منطقی	$T_1$	$T_2$	نمره کلی سلامت
سبک آزاد	۱					
سبک استبدادی	۰/۱۸***	۱				
سبک منطقی	۰/۰۸**	-۰/۲۳***	۱			
$T_1$	۰/۰۳	-۰/۰۸**	۰/۱***	۱		
$T_2$	۰/۰۳**	-۰/۱۲***	-۰/۲۲***	۰/۴۹***	۱	
نمره کلی سلامت	۰/۰۳	-۰/۱۲***	۰/۲**	۰/۷۸***	۰/۹۳***	۱

\* $p<0/05$  \*\* $p<0/01$  \*\*\* $p<0/001$ جدول شماره ۲ - جدول ماتریس همبستگی بین متغیرهای تحقیق ( $n=1396$ )

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
شاخص $T_1$	پسر	۶۱۲	۲۳/۴۳
	دختر	۷۸۴	۲۲/۷۷
شاخص $T_2$	پسر	۶۱۲	۶۵/۶۸
	دختر	۷۸۴	۶۵/۸۶
شاخص کلی سلامت روانشناختی	پسر	۶۱۲	۸۹/۱۱
	دختر	۷۸۴	۸۸/۶۳
سبک تربیتی آسان گیر	پسر	۶۱۲	۲۷/۲۲
	دختر	۷۸۴	۲۷/۵۰
سبک تربیتی استبدادی	پسر	۶۱۲	۲۶/۶۲
	دختر	۷۸۴	۲۶/۴۸
سبک تربیتی منطقی	پسر	۶۱۲	۴۱/۸۹
	دختر	۷۸۴	۴۳/۰۳

جدول ۳: یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در دختران و پسران



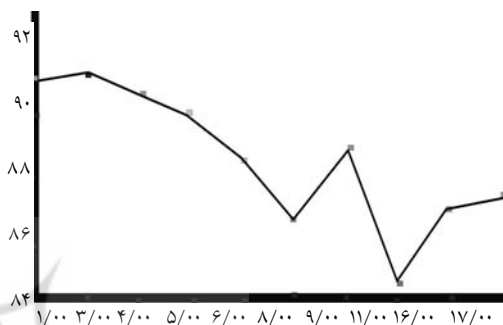
ذکر گردید والدین دارای سبک والدینی اقتدار منطقی دارای عواطفی گرم و در عین حال کنترل کننده هستند. والدین گرم به نیازهای عاطفی و روانی فرزند پاسخ می دهند؛ ولی کنترل معقول و عقلانی نیز بر فرزندان خود اعمال می نمایند. والدین با شیوه استبدادی و یا شیوه آسان گیر این دو ویژگی را همزمان با یکدیگر ندارند. در سبک تربیتی استبدادی و آسان گیر، بعد کنترل کنندگی یک امر یک طرفه می باشد به این معنی که در سبک تربیتی استبدادی، جهت از سمت والد به سوی فرزند است. در حالی که در سبک تربیتی آسان گیر از سمت فرزند به سوی والدین می باشد (بام ریند، ۱۹۹۱).

نوجوانان در خانواده های دارای سبک اقتدار منطقی و مردم سالار متکی به خود، آرام و امیدوار بوده و هویت شخصی آنها آسیب نمی بیند. همان طور که در تحقیقات گذشته به طور نمونه (شک، ۱۹۹۷) نشان داده شد، احساس خوب بودن روان شناختی با سبکهای تربیتی والدین که در آن فرزندان احساس رضایت از زندگی خود می کنند رابطه معنی دار دارد. نوجوانی که با سبک تربیتی اقتدار منطقی زندگی می کند، بیشترین دلبستگی را در دوران کودکی با والدین خود تجربه کرده و این باعث می شود که در نوجوانی یک حس ارزشمندی و خوب بودن را تجربه نماید. دو نوع سبک تربیتی استبدادی و آسان گیر، هر کدام ابعادی از سبک تربیتی آسان گیر منطقی را دارند، ولی به تنهایی نمی توانند باعث سلامت روان شناختی در نوجوانان شوند. اگر چه در سبک تربیتی استبدادی، بعد کنترل کنندگی وجود دارد. ولی بعد گرمی و صمیمی بودن را ندارد؛ و باعث ایجاد خصومت در نوجوانان می شود. از طرف دیگر سبک تربیتی آسان گیر به دلیل عدم کنترل کنندگی از جانب والدین، باعث رها شدن شده و این امر موجب لجام گسیختگی آنها می گردد که این موضوع نیز به نوبه خود می تواند از ایجاد شدن حس ارزشمندی در نوجوانان بگذرد.

در پژوهش حاضر به لحاظ سبک تربیتی، بین نوجوانان دختر و پسر، تفاوت هایی مشاهده شد؛ بدین صورت که از لحاظ سبک تربیتی استبدادی و آسان گیر در مورد دختران و پسران تفاوت معنی دار وجود ندارد؛ ولی بین دختران و پسران از لحاظ شیوه تربیتی اقتدار منطقی، تفاوت معنی دار مشاهده می گردد. یعنی والدین، این شیوه تربیتی را در مورد دختران خود بیشتر می توانند بکار ببرند تا پسران. با توجه به ای که والدین در این تحقیق مادران بوده اند، تعاملی که می تواند بین

میانگین سلامت روان شناختی است.

بررسی تفاوت های جنسی و منطقه ای در سبک های تربیتی والدین نشان می دهد از لحاظ جنسی، بین سبک تربیتی والدین آسان گیر ( $t=0/97, p>0/05, df=1394$ ) و استبدادی ( $t=0/45, p>0/05, df=1394$ ) تفاوت معنی دار وجود ندارد و این در حالی است که بین سبک تربیتی والدین اقتدار منطقی ( $t=4/20, p<0/001, df=1394$ ) تفاوت معنی دار وجود دارد.



نمودار ۱- سلامت روانشناختی نوجوانان در نواحی مختلف تهران

در خصوص تفاوت سبک های تربیتی در مناطق مختلف تهران، در سبک تربیتی والدین آسان گیر تفاوت معنی دار آماری بین مناطق وجود ندارد ( $F=9, df=9, 1386, p>0/05$ ),  $F=2/86$ ) و این در حالی است که در سبک تربیتی استبدادی ( $F=3/78, p<0/001, df=9, 1386$ ) و در سبک تربیتی منطقی ( $F=3/05, p<0/001, df=9, 1386$ ) معنی دار است. در مناطق ۴، ۱۱، ۱۶ و ۱۷ والدین بیشتر از سبک تربیتی استبدادی استفاده می کنند در حالی که در مناطق ۱، ۳، ۵، ۶، ۸ و ۹ کمتر از این سبک استفاده می نمایند. این در حالی است که والدین از سبک منطقی در مناطق ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹ و ۱۱ در مقایسه با مناطق ۱۶ و ۱۷ استفاده می نمایند.

### بحث

از نتایج بدست آمده در این تحقیق ارتباط مثبت و معنی دار بین شیوه فرزند پروری اقتدار منطقی مادر با سلامت روان شناختی نوجوان است. نتیجه دیگر تحقیق، رابطه منفی و معنی دار بین شیوه فرزند پروری استبدادی مادر و سلامت روان شناختی نوجوان است. همان گونه که در ادبیات تحقیق



گردانی مجدد<sup>۱</sup> از وضعیت اقتصادی - اجتماعی و تفسیر  
معنای روان شناختی آن هستیم.

### منابع

اسفندیاری، غلامرضا. (۱۳۷۴). بررسی و مقایسه شیوه‌های فرزند پروری مادران کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری و مادران کودکان بهنجار و تأثیر آموزش مادران بر اختلالات رفتاری فرزندان. پایان نامه کارشناسی ارشد، انستیتو روان پزشکی تهران.  
رضایی، محمد. (۱۳۷۵). بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزند پروری مادران و بلوغ اجتماعی دانش آموزان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم.  
مهر افروز، حجت. (۱۳۷۸). بررسی رابطه بین نگرش نسبت به شیوه‌های فرزند پروری مادر با مکان کنترل و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم.  
کرمی نوری، رضا؛ مکرری، آذرخش؛ محمدی فر، محمد؛ و یزدانی، اسماعیل. (۱۳۸۱). مطالعه عوامل مؤثر بر احساس شادی و بهزیستی در دانشجویان دانشگاه تهران. مجله روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، ۳۲، ۱، ۳-۴۱.

**Baumrind, D.** (1973). The development of Instrumental competence through socialization. In A. D. Pick (Ed.). Minnesota symposium on child psychology, (vol. 7, pp. 3-46). Minneapolis: university of Minnesota press.  
**Baumrind, D.** (1991). Effective parenting during the early adolescent transition. In P. E. Cowan & E. M. Hetherington (Eds), family transitions: Advances in family research (Vol. 2, pp. 111-163), Hillsdale, NJ: Erlbaum.  
**Baumrind, D.** (1980). New directions in socialization research. American psychologist, 35, 639-652.  
**Buri, J. R.** (1991). Parental Authority Questionnaire. Journal of Personality assessment, 57, 110-119.  
**Baumrind, D.** (1975). The contributions of the family to the development of competence in children. Schizophrenia Bulletin, 14, 12-37.  
**Berndt, T. S.** (1997). Child development (2nd ed.), London: Brown and Mcorhousew (Eds), person in context; Developmental process.

دختران و مادران از طریق این سبک برقرار گردد به دلیل همانند سازی جنسیتی امکان پذیر است؛ ولی در مورد پسران بخصوص در دوره نوجوانی امکان این تعامل بین مادران و پسران به حداقل خود می‌رسد. در این خصوص نیازمند تحقیقاتی هستیم که رابطه والد - فرزندی را به طور مشاهده مستقیم مورد توجه قرار دهد.

از لحاظ اعمال سبک تربیتی در مناطق مختلف تهران، در سبک تربیتی آسان گیر بین مناطق مختلف تفاوت مشاهده نگردید؛ ولی بین مناطق در شیوه‌های تربیتی استبدادی و منطقی تفاوت وجود داشت. از لحاظ اعمال سبک تربیتی استبدادی مناطق ۴، ۱۱، ۱۶ و ۱۷ در مقایسه با سایر مناطق، والدین از این سبک تربیتی بیشتر استفاده می‌نمایند، اما والدین از سبک منطقی در مناطق ۱۶ و ۱۷ در مقایسه با سایر مناطق کمتر استفاده می‌نمایند.

معمولاً در مناطق اقتصادی - اجتماعی کمتر توسعه یافته، والدین چاره‌ای جز استفاده از سبک تربیتی استبدادی نمی‌بینند. به دلیل محدودیت‌های اقتصادی و اجتماعی و کار بیش از حد در بیرون از خانه پدران و اختصاص ندادن وقت کافی از طرف مادران به دلیل فرزندان زیاد - که معمولاً در خانواده‌های اقتصادی - اجتماعی پائین وجود دارد - استفاده از سبک تربیتی استبدادی، تنها روش ممکن برای این مادران است. در مناطق ۴ و ۱۱ والدین از هر دو سبک تربیتی استبدادی و منطقی استفاده می‌نمایند.

از لحاظ تفاوت سلامت روان شناختی بین دختران و پسران تفاوت مشاهده نشد و این یافته نشان دهنده آن است که در سالهای اخیر تفاوت‌ها بین دختران و پسران به حداقل رسیده است. اگر چه بعضی از تحقیقات، به تفاوت سلامت روان شناختی دختران و پسران اشاره نموده‌اند. این امر می‌تواند ناشی از تغییر نگرش دختران و پسران در خصوص نگرش به سلامت روان شناختی باشد.

سلامت روان شناختی در مناطق شمالی و میانی شهر تهران به مراتب بهتر از مناطق پائین شهر است؛ و این می‌تواند تاییدی بر نقش عوامل اقتصادی - اجتماعی در سلامت روان شناختی باشد. زیرا عواملی که سلامت روان شناختی در مناطق پائین شهر را به مخاطره می‌اندازد، به مراتب بیشتر از مناطق شمالی و مرکزی شهر است.

این یافته؛ تحقیقات پیشین (کولی و همکاران، ۲۰۰۶) رانیز تایید می‌کند. با توجه به نقش دوگانه وضعیت اقتصادی - اجتماعی در سلامت روان شناختی نوجوانان، نیازمند مفهوم



- Catherine, E., Ross, C., & Mirowsky, J.** (2006). Sex differences in the effect of education on depression: Resource multiplication or resource substitution?. *Social Science & Medicine*, 63, 1400-1413
- Coley, R. L.; Bachman, H. J.; Votruba-Drzal, E.; Lohman, B. J.; & Li-Grining, C. P.** (2006). Maternal welfare and employment experiences and adolescent well-being: Do mothers' human capital characteristics matter? *Children and Youth Services Review*, In press.
- Diener, E.; Emmons, R. A.; Larsen, R. J.; & Griffin, S.** (1985). The Satisfaction With life Scale. *The Society for Personality assessment*, 71-74.
- Dunifon, R.; Hynes, K.; & Peters, H. E.** (2006). Welfare reform and child well-being. *Children and Youth Services Review*, 28, 1273-1292.
- Fergusson .D.M and Lynskey .M.T.** (1998) , Conduct problems in childhood and psychosocial outcomes in young adulthood : A perspective study, *Journal of*.
- Glasgow, K. L.; Dornbusch, S. M.; Troyer, L.; Steinberg, L.; & Rotter, P. L.** (1997). parenting style, adolescent's attributions and educational outcomes in nine.
- John, D.; & Catherine, T.** (1993). Observing Parent behavior: Reconciling theoretical concepts with empirical reality. paper presented at the Biennial meeting of the society for research in child development ( New Orleans, La. March, 25-28.
- Kahn, R. S.; Wilson, K.; & Wise. P. H.** (2005). Intergenerational health disparities: socioeconomic status, women's health conditions, and child behavior problems. *Public Health Reports* (Washington, D. C.: 1974), 120, 399-408.
- Maccoby, E. E.; & Martin, J. A.** ( 1983). Socialization in the context of the family:parent- child interaction. In. P. Musseu (Ed.). *Handbook of child psychology* (4th ed. Vol, 4) New York: Wiley.
- Myers, D. G.; & Dinner, E.** (1995). Who is happy? *Psychological Science*, 6, 10-19.
- Petersen, A. c.; cempas, B. E.; brooks - cunn, J.; stemmler, M.; Ey, S.; & Grant, K. E.** (1993). Depression in adolescence. *American Psychologist*, 48, 155-168.
- Shek, D. T. L.** (1997). Family environment and adolescent psychological well- being, school adjustment, and problem behavior: A pioneer study in a Chinese context. *Journal of Genetic psychology*, 158, 113-128.
- Wadsby, M., Svedin, G.; & Sydsjö, G.** (2007). Children of mothers at psychosocial risk growing up: A follow up at the age of 16 *Journal of Adolescence*, 30, 147-164.

